

## خون زمین

جلال فرهمند

به درستی عصر ناصرالدین شاه را عصر اعطای انحصارات و امتیازات نام نهاده‌اند. چون وی به اشاره برخی حکومتگران دستگاه سلطنت خود نظیر میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان بی‌محابا به طمع پیشیزی چه برای مداخل خود و چه برای خرج سفرهای بی‌حاصل و پرخرج خود به اروپا بسیاری از معادن و گمرکات و سایر منابع ملی را - که شاید برای خیلی از ایرانیان سر و دست شکستن اروپاییان برای به دست آوردن امتیازش تعجب‌برانگیز بود - برای سالهای متمادی که گاه به دوران معاصر و نزدیک خودمان نیز رسید به بیگانگان سپرد.

تنها چیزی که برای سران آن روز ایران ثروت به حساب می‌آمد همانا طلا و نقره بود به طوری که هنگام عقد قرارداد اکتشافهای باستانی به هیئت فرانسوی مجوز همه‌گونه خروج آثار عتیقه به جز طلا و نقره داده شده بود. فرانسویان نیز از خدا خواسته پای این قرارداد را با ذوق بسیاری امضا کردند و چند سال بعد شماری از مهم‌ترین آثار قدیمی ایران به موزه لوور منتقل شد و کپی آنها به موزه ایران باستان رسید!

نفت نیز همین شرایط را داشت. نفتی که شاید طی هزاران سال به صورت مایعی لزج و بدبو در مناطقی از این سرزمین پای بر خاک می‌گذاشت و تنها کاربرد آن در عملیات جنگی و ترمیم قایقهای شکسته و یا حتی درمانهای سنتی بود.

یک عامل در اروپا موجب آشنایی آنان به راز مهم این ماده بی‌خاصیت شد ماده‌ای که ابتدا «روغن معدنی» نامیده می‌شد. آن عامل انرژی بود. اختراع موتورهای درون‌سوز به آن شتاب داد. این موتورها انرژی می‌خواست. انرژی بخار توان انجام کلیه آرزوهای بشر را نداشت.

استخراج سنتی از معادن این روغن سیاه تکافوی احتیاج بشری را نداشت. در ابتدا در معادن تگزاس آمریکا و اندکی نیز در کشور رومانی نفت استخراج شد ولی نیاز بیش

از این بود. پس سطح جست و جوی نفت به کل دنیا سرایت کرد. یکی از این نقاط ایران بود. اولین حرکت جدی در ایران با نام یکی از سرمایه‌داران یهودی تبار انگلیس یعنی اسرائیل یوسفات یا بارون پل جولیس رویتز شروع شد. وی استخراج کلیه معادن ایران به جز طلا و نقره و سنگهای قیمتی را به دست آورد (۱۸۷۲). هر چند مدتی بعد به علت مخالفت عمومی و مخالفت روسیه این امتیاز لغو شد ولی آغازی مناسب برای قراردادهای بعدی محسوب می‌شد.

رویتز مجدداً در سال ۱۸۸۹ قرارداد دیگری برای اکتشاف معادن نفت در ایران به دست آورد. ولی با تمام شدن موعد این قرارداد از نفت خبری نشد و با تمام شدن عمر رویتز آرزوی وی نیز برای اکتشاف نفت در خاورمیانه به پایان رسید.

مطالعات هیئت‌های فرانسوی وجود نفت در غرب و جنوب ایران را تأیید می‌کرد و این بر حرص اروپاییان می‌افزود. در این زمان پای کتابچی خان به قضیه نفت باز شد. وی مدیرکل اداره گمرکات ایران بود و چون از سرمایه‌گذاران فرانسوی ناامید شده بود حاضر شد قراردادش را به انگلیسیها بفروشد. ویلیام ناکس داریسی ثروتمند تازه به دوران رسیده‌ای، که ثروتش را از سرزمین آمریکا و از معدن طلایش به دست آورده بود همان کسی بود که به انتظار کتابچی خان پایان داد.

با تطمیع امین‌السلطان صدراعظم مظفرالدین‌شاه قرارداد جدیدی منعقد شد که حیظه وسیعی به جز پنج ایالت همجوار روسیه را در اختیار داریسی جهت اکتشاف نفت قرار می‌داد. چند سال اکتشاف نفت به جایی نمی‌رسد و دست و دل داریسی را برای خرج پول بیشتر که تا آن زمان سر به سیصد هزار یوند زده بود می‌لرزاند.

در این موقع دولت انگلیس به کمک وی می‌آید. تغییر سوخت کشتیهای زغالی انگلیسی به نفت موجب بالا رفتن قیمت نفت و بالطبع صرفه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری استخراج آن می‌شد. در سال ۱۹۰۷ داریسی کل سهام خود را به شرکتی تحت پوشش دولت انگلیس فروخت.

پس از آن این انتظار یک سال بیشتر طول نکشید. در یکی از روزهای سال ۱۹۰۸ انگار که نیزه استعمار پیر بر قلب زمین فرو نشست. زمین زخمی شد و خون آن به ارتفاع ۱۷ متر و حتی بالاتر از دکل حفاری شرکت در منطقه نفتون مسجدسلیمان فوران کرد و برقی هفتاد ساله بر چشمان صاحبان شرکت جهید. تاریخ ایران و مسجدسلیمان یکی شد و دوران جدید استعمار غرب در ایران شکل یافت و در همین هنگام مظفرالدین‌شاه

با تفرغنی کودکانه بر ماشینی که با بنزین می سوخت و دود غلیظی از آن خارج می شد در خیابانهای پاریس به تفرج مشغول بود. و شاه نمی دانست در ورای این تفرج ساده لوحانه وقایع مهمی چون انقراض خاندانش، آمدن خاندانی دیگر، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد و... نهفته است.



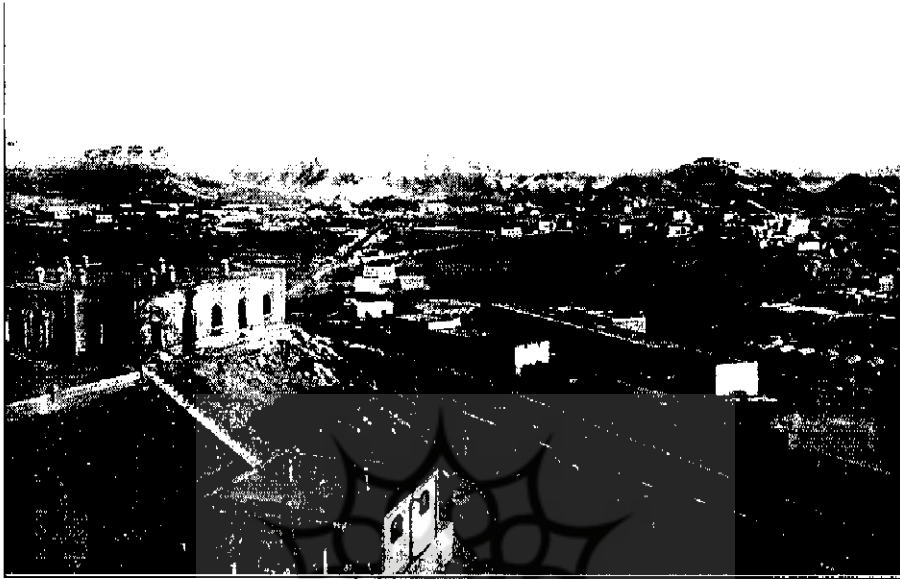
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



مسجد سلیمان، محل تلمبه نفت و کارخانه برق | ۲۷۴۴-۳



کارگران ایرانی در حال لوله‌گذاری جهت انتقال نفت به پالایشگاه آبادان | ۱۱۷-۱۱۴ز



مسجد سلیمان و کارگاههایی مربوط به شرکت نفت | ۱۳-۲۷۴۸

۲۴۹



منظره‌ای از مسجد سلیمان و اتومبیل‌های عوامل شرکت نفت انگلیس | ۱۳-۲۷۴۵



بیمارستان شرکت نفت انگلیس در مسجد سلیمان | ۲۷۶۴-۳

۲۵۰



لوله‌های نفت و ساختمانهای اداری شرکت نفت انگلیس در مسجد سلیمان | ۲۷۶۳-۳

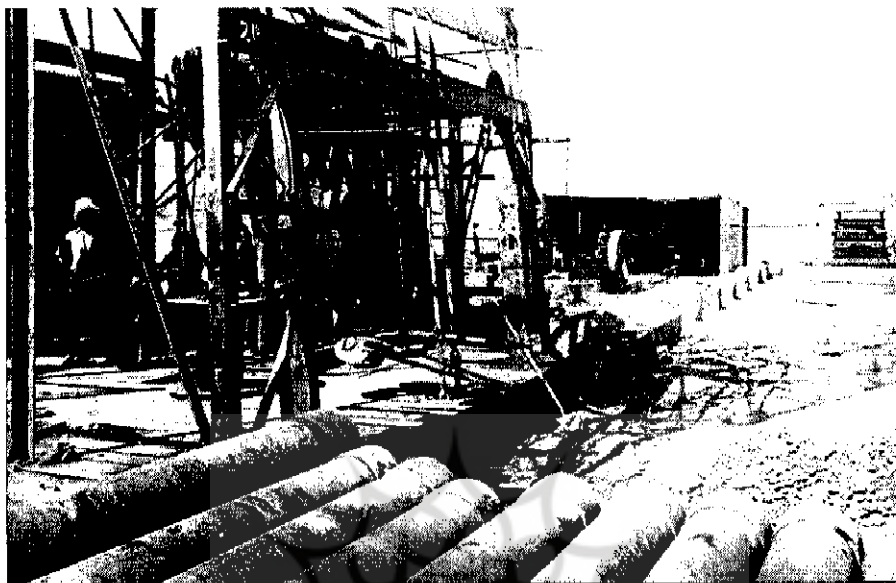


کارگران اروپایی و ایرانی در دکل حفاری نفت | ۲۷۶۸-۱۳

۲۵۱



ماشین حفاری | ۲۷۶۶-۱۳



دکل حفاری | ۳-۲۷۷۳



دکل حفاری | ۳-۲۷۶۹





کارگاه آهنگری و عکس یادگاری کارگران بومی | ۲۷۸۰-۳



کارگاه تراشکاری در منطقه مسجد سلیمان | ۲۷۷۸-۳



کارگاه کمپانی نفت در اهواز | ۲۷۸۴-۱۳

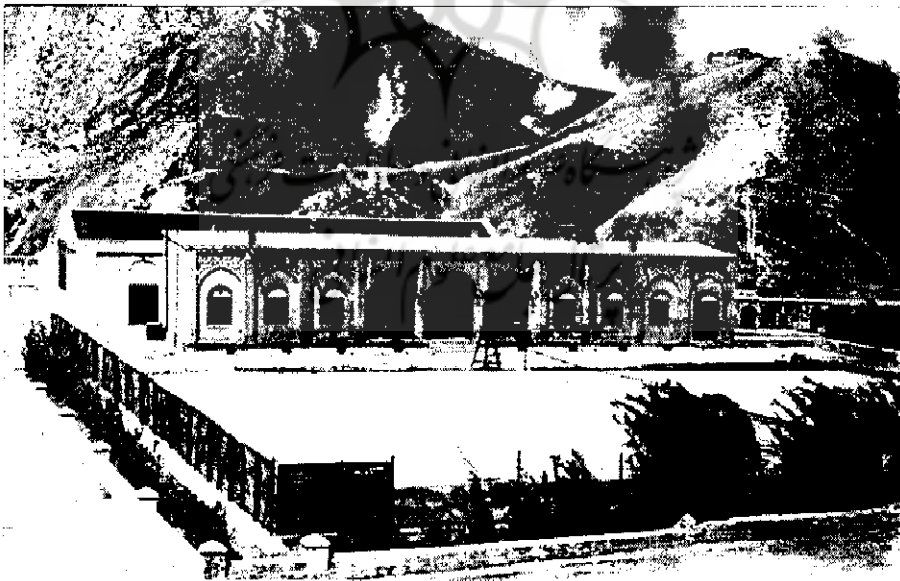


کشتی متعلق به شرکت نفت در اسکله ناصریه | ۲۷۸۱-۱۳



دفتر محاسبات کمپانی در مسجد سلیمان [ ۳-۲۷۹۵ ]

۲۵۵



کلوپ تفریحی کارکنان انگلیسی شرکت نفت در مسجد سلیمان [ ۳-۲۷۹۱ ]



علی دشتی در کنار یک دکل حفاری در جنوب ایران | ۲۸۹۸-۱۹



رضاشاه پهلوی در حال بازدید از تأسیسات نفتی آبادان | ۲۴۴-۱۲۴ط



سپهبد محمد شاه‌بخشی در سفر به آبادان برای سرکوبی اعتصابات کارگران شرکت نفت (۱۳۳۰) | ۱-۲۲۷۰

۲۵۷



آبادان، جلسه اعضای هیئت خلع بد: ناصرقلی اردلان، محمد بیات، طاهر ضیایی و مهندس مهدی بازرگان | ۸۰۰-۸۳۲ض



حسین مکی و مظفر بقایی، دو تن از اعضای هیئت خلع ید در آبادان | ۴-۵۰۰۴

۲۵۸

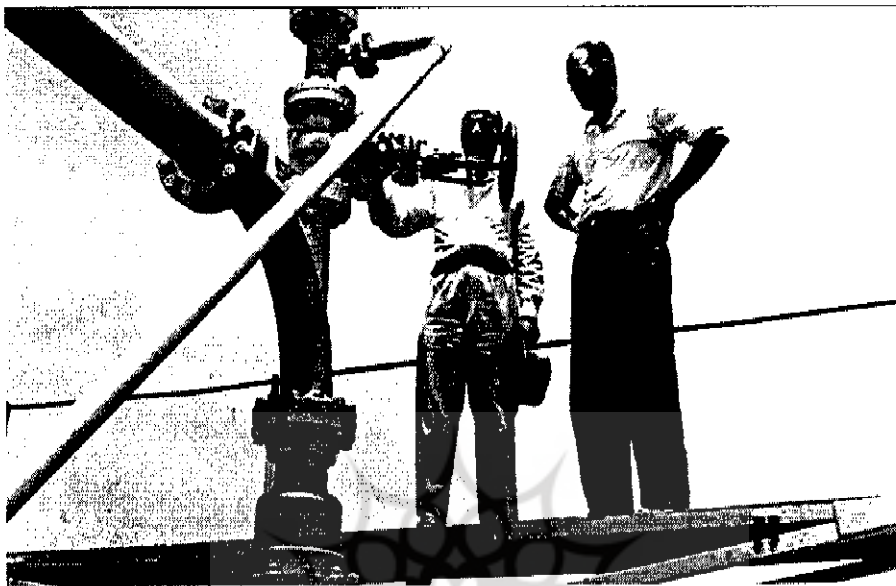


حسین مکی در حال سخنرانی در جمع کارگران پالایشگاه آبادان | ۴۴۹۳-۱پ

فرودگاه آبادان، حسین مکی و مهندس بازرگان | ۴-۵۰۰



یکی از جلسات هیئت مختلط مجلسین برای خلع ید از نفت جنوب (۱۳۳۰)  
ناصرقلی اردلان، ابوالقاسم نجم، صادق رزاده شفق، احمد میندفتری، محمدعلی وارسته و اللهیار صالح | ۴-۱۴۸۳



حسین مکی و بازرگان در پالایشگاه آبادان | ۴-۵۰۰۱

۲۶۰



حسین مکی در جمع کارکنان شرکت نفت | ۴-۵۰۰۳





نصب تابلوی شرکت ملی نفت ایران پس از خلع ید از شرکت نفت انگلیس | ۱۶۵۱-۱۲۲ط

۲۶۱



حسين مكي در جمع كاركنان شركت نفت | ۵۰۰۲-۴



اورل هریمن فرستاده مخصوص رئیس جمهور آمریکا به هنگام ملاقات با چند تن از اعضای هیئت خلع بد | ۴۴۹۵-۲۴



اجتماع مردم تهران در مقابل منزل حسین مکی عضو هیئت خلع بد پس از بازگشت به تهران (۱۳۳۰) | ۱۵۶۷-۱۲۲۴ط



دکتر مصدق و نصرالله انتظام در فرودگاه نیویورک (۱۳۳۰) | ۱۴-۱۴۶۶

۲۶۳



دکتر مصدق نخست‌وزیر در حال گفت‌وگو با لویی هندرسن سفیر آمریکا در تهران | ۱۴-۱۴۴۰

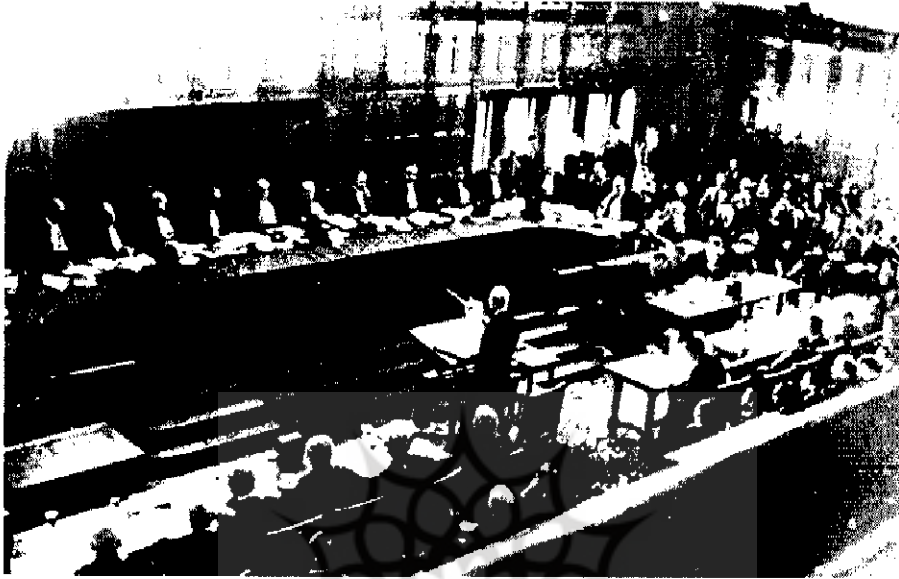
دکتر مصدق و همی ترومن رئیس جمهور آمریکا | ۱۳۸۹-۴



۲۶۴



دکتر مصدق، هریمن و استوکس | ۶۱۱۳-۱پ



دکتر مصدق در حال سخنرانی در دادگاه بین‌المللی لاهه (۱۳۳۱) [ ۱۶۵-۸ ]

۲۶۵



اعضای هیئت ایرانی مذاکره‌کننده با کنسرسیوم نفت: فتح‌الله نوری‌اشندباری، علی امینی و فؤاد رحانی [ ۱۲۸-۱۲۴۵الف ]



دکتر علی امینی وزیر دارایی در جریان تقدیم قرارداد نفت با کنسرسیوم به مجلس [۱۳۹۹-۲]



جلسه هیئت نمایندگی ایران و کنسرسیوم نفت، علی امینی و هوارد بیچ [۸۵-۱۸۲۵الف]



پایان ملی شدن صنعت نفت | ۱۳۵۸-۱۴ |



هوبر نماینده آمریکا در قرارداد کنسرسيوم نفت (۱۳۳۳) | ۱۳۳۳-۱۴ |



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی